

آب شنگولی یا حمیم جهنم؟! ..

نقل شده است که در اواخر عمر آیت‌الله العظمی بروجردی، پزشکی حاذق از اروپا برای معالجه ایشان به ایران آمد که در ضمن معاینه و تجویز دارو توصیه کرد ایشان از سرکه بیش‌تر استفاده کنند تا حال‌شان بهبود پیدا کند.

آیت‌الله بروجردی بعد از شنیدن این توصیه که معمولاً توسط اطباء دیگر بیان نمی‌شود پرسیدند مگر سرکه خاصیت مهم و قابل توجهی برای درمان هم دارد؟ که پزشک معروف تأیید کرده و تأثیر زیاد سرکه برای سلامتی را گوشزد نمود!

در این هنگام آیت‌الله بروجردی با حالی عجیب فرمودند الان می‌فهمم چرا این قدر در روایات ما بر خوردن سرکه توصیه شده است.

انصافاً داستان‌های بسیاری از دستورات دینی و توصیه‌های ائمه علیهم‌السلام به ما، مانند همین ماجر است. یعنی ابتدا که نگاه می‌کنیم می‌پرسیم حالا این مسأله چقدر اهمیت داشت که در روایات تا این حد به آن توجه شده؟! اما قدری که عقل‌مان بیش‌تر می‌شود و مسائل را بهتر درک می‌کنیم می‌فهمیم حق همان بوده و این تأکیدها و توجه‌های خاص بی‌دلیل نیست.

مثلاً همین داستان مشروبات الکلی؛ وقتی انسان به آیات متعدد قرآن و روایات مربوط به آن نگاه می‌اندازد متعجب می‌شود که مگر این گناه چقدر زشت‌تر و زیان‌بارتر از سایر گناهان است که بسیار شدید و غلیظ‌تر از سایر انحرافات و آلودگی‌ها به آن توجه شده و با تعابیر مختلف و هشدارهای سخت از نزدیک شدن به این گناه نهی شده است.

اما با قدری تأمل در اوضاع و احوال جامعه و وضعیت آلودگی بشر در همه جوامع متمدن و نیمه متمدن و متوخش به این زهرماری و هزاران آفت و انحراف و آلودگی و فساد که در نتیجه این صفت شیطانی دامن‌گیر جوامع مختلف شده، انسان به عمق نگاه شریعت اسلام پی می‌برد و حق می‌دهد که قرآن «شراب» را پلید و عمل شیطان بنامد^۱ و یا رسول خدا در مذمت شراب و شراب‌خوار بفرماید: «اگر شراب‌خوار مریض شد به عیادتش نروید، اگر مرد جنازه‌اش را تشییع نکنید، اگر به چیزی شهادت داد شهادتش را نپذیرید، اگر

دیده می‌شود که هنوز هم برخی از پزشکان در پاره‌ای موارد به بیماران خود توصیه می‌کنند برای درمان برخی بیماری‌های گوارشی یا برطرف نمودن گرفتگی عروق و مانند آن از شراب استفاده کنند و همین امر زمینه می‌شود تا برخی افراد خود را مجاز به هم‌نفس شدن با پیاله‌های گوناگون بدانند و با خیال راحت و توجیه عامه‌پسند، زهرماری را سربکشند و با قیافه‌ای حق به جانب بگویند: «چه کنم که دکتر گفته؛ والا ما کجا این نجسی‌ها کجا؟!»

درخصوص این مسأله از منظر اخلاقی باید گفت درمان یک چیز است و شفا چیزی دیگر و براساس روایات خداوند شفا را در چیز حرام قرار نداده است هر چند یک چیز پلیدی مانند شراب تا حدی در درمان بیماری هم کمک بکند.

بعلاوه به هیچ وجه نمی‌توان گفت که درمان یک بیماری منحصر در نوشیدن شراب است و هیچ داروی شیمیایی یا مایع طبیعی دیگر جایگزین آن نخواهد بود. به‌عنوان مثال در بسیاری از موارد چه بسا سرکه به مراتب اثرات درمانی بهتری نسبت به شراب داشته باشد. البته اسلام همواره در همه قوانین خود راهکارهای استثنایی و نگاه عقلانی و منطقی خود را دارد و در نتیجه در مواردی اجازه مصرف شراب را داده است اما در وضعیتی که این سه شرط تحقق یافته باشد:

خوش‌گذرانی و چه به قصد سلامتی، چه در عروسی و چه در عزاء، چه با احتمال ضرر رساندن به دیگران و چه بدون احتمال این مفاسد در هر صورت از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و چنین فردی «شارب الخمر» محسوب می‌شود که تا ۴۰ روز نمازش مورد قبول نخواهد بود و در حکم کافر به حساب می‌آید و مورد لعن شدید پیامبر رحمت خواهد بود...

قاعده فقهی مسأله آن است که اگر مایعی به خودی خود مشروب و مست‌کننده محسوب می‌شود با هر نوع فرآوری و تغییر ماهیتی که بر سر آن در بیاید از حرام بودن خارج نمی‌شود و در نتیجه اگر برای فردی چنین مایعی مست‌کننده نباشد یا به نحوی با آب رقیق شود که هیچ‌کس را مست نکند یا آن‌قدر کم خورده شود که اثری نداشته باشد در هر حال طبق روایات صریح معصومین (ع) و فتاوی‌ای قطعی مراجع باز هم حکم شراب را دارد. بعلاوه که چنین مایعی در هر حال نجس محسوب می‌شود و نوشیدن مایع نجس هم به خودی خود حرام است.

حتی به دستور پزشک؟

از گذشته تا حال این مسأله مشهور و معروف بوده که مشروب برای درمان برخی از بیماری‌ها کارایی دارد و

قصد ازدواج داشت به او دختر ندهید و چیزی به او امانت ندهید...»^۲

در هر صورت چه بخواهیم و چه نخواهیم، امروز جامعه آلوده به این نوشیدنی پلید شده و ما هم از آثار و تبعات آن به دور نیستیم و در برخی موارد سؤالاتی در خصوص این مسأله برای ما پیش می‌آید.

در این شماره سعی می‌کنیم به برخی از این موارد بپردازیم:

مشروب چیست؟

از نظر لغت به هر چیز نوشیدنی مشروب گفته می‌شود. اما در اصطلاح مشروب یا شراب یا خمر یا عرق و یا به تعبیر لات و الوات آب شنگولی، به مایعاتی گفته می‌شود که به‌واسطه فرایند شیمیایی خاصی که در نحوه تهیه آنها رخ می‌دهد نوعی حالت مست‌کنندگی برای فردی که آن را بنوشد ایجاد می‌کنند و چون این خاصیت به شکل طبیعی به الکل موجود در این مایعات برمی‌گردد، این مایعات مشروبات الکلی یا به اختصار مشروب نامیده می‌شوند.

مشروب از مواد گوناگونی تولید می‌شود. مانند انگور، کشمش، گندم، جو، خرما و...

اما امروزه کمپانی‌های بزرگ در سطح دنیا هزاران نوع مشروبات الکلی را با ترکیب‌ها و اسانس‌های گوناگون تولید کرده، روانه بازار می‌کنند که به مشروبات صنعتی معروفند. اما همه این مایعات چه سنتی و آلوده به انواع کثافات باشد و چه صنعتی و بهداشتی و همراه با هزار نوع استاندارد و مارک معتبر، در حقیقت و ماهیت یک چیز بیش‌تر نیست؛ همان تعبیر عوامانه خودمان «زهرماری»!! و بلکه این مایعات از زهر هر ماری بدتر و کشنده‌ترند.

خوردن یا نخوردن مسأله این است!

اما حکم شرعی انواع مشروبات الکلی چیست؟ این سؤالی‌ست که برای خیلی‌ها پیش می‌آید و در مواردی دست و دل‌شان می‌لرزد که یک بار هم که شده با توجیه و کلک شرعی لبی‌تر کنند تا ببینند این مایع مرموز چیست که این‌همه خلق عالم اسیر آن هستند! خیال همه این افراد کم‌تقوا و سست‌ایمان را راحت کنیم که از نظر همه مراجع همه انواع مشروبات الکلی با هر اسم و عنوانی که باشند و با هر درصد الکلی که داشته باشند، چه مست‌کننده باشند و چه نه، چه با آب مخلوط شده باشند و چه نه، چه یک لب چه صد لب، چه سنتی چه صنعتی، چه به قصد هوس‌رانی و





۱. یقین داشته باشد اگر شراب نخورد و بیماری‌اش را به حال خود بگذارد او را خواهد کشت یا نزدیک به مرگ خواهد کشاند (بیماری فوق‌العاده خطرناک باشد نه یک ناراحتی معده معمولی)

۲. یقین داشته باشد به وسیله شراب بیماری‌اش معالجه می‌شود.

۳. یقین داشته باشد درمان بیماری‌اش منحصر به شراب است.^۲

مطمئناً این یقین‌ها تنها در صورتی به وجود می‌آید که عده‌ای از پزشکان متخصص و خبره و در عین حال مؤمن و متدین بر لزوم مصرف شراب تأکید کرده باشند که در آن صورت هم، تنها به مقدار لازم و ضروری می‌توان از آن استفاده کرد، والا با نظر هر پزشک معمولی که چه بسا خود هم اهل لب‌تر کردن است نمی‌توان به این گناه کبیره تن در داد. به قول شاعر: «نه هر که نمره نظام پزشکی دارد، دلبری داند»

ماء‌الشعیر هم حکم شراب را دارد؟

ماء‌الشعیر یا همان «آب جو» نامی است که برای دو مایع کاملاً متفاوت به کار برده می‌شود؛ یک قسم آن همان آب جو معروف است که از زمان قدیم تا حال یکی از معروف‌ترین انواع شراب‌ها به حساب می‌آید که یقیناً مست‌کننده، نجس و حرام است، اما قسم دیگر آب جو مایعی است که با فرایند شیمیایی مشخص از جو به دست می‌آید و فرمول تهیه آن با آب جو نوع اول کاملاً متفاوت است. در نتیجه هر چند این مایع هم از جو گرفته می‌شود اما اساساً خاصیت مستی و تخدیری ندارد، بلکه خواص درمانی خوبی هم داراست.

به همین خاطر این قسم دوم که به نام «آب جو اسلامی» هم معروف است پاک و حلال است و به همین خاطر در داخل کشور به انواع گوناگون تولید می‌شود. البته باید توجه داشت انواع نوشیدنی‌های مشابه که تولید کشورهای خارجی هستند را به آسانی نمی‌توان مصرف نمود. زیرا در کشورهای دیگر آب جوی حرام به وفور و در مدل‌های مختلف تولید و

مصرف می‌شود و به صرف تأییدیه وزارت بهداشت و اداره استاندارد کشور تولیدکننده نمی‌توان یک آب جو خارجی را از قسم دوم دانست و قُلْ قُلْ سر کشید!

به همین نسبت دیگر انواع مشروب‌های مست‌کننده سنتی که هنوز در برخی مناطق به اسم‌های گوناگون شناخته می‌شود مانند «فقاع» نجس و حرام هستند. مگر آن که یقین داشته باشیم چیزی که تهیه شده ماهیتی غیر از آن مشروب معروف دارد و اساساً مست‌کننده نیست؛ هر چند نامی مشابه همان مایع قدیمی داشته باشد.

تکلیف عطر، ادکلن، لوازم بهداشتی آمیخته با الکل

فارغ از بحث حرمت نوشیدنی مایعات الکلی، اصل نجاست این مایعات خود داستان مفصلی‌ست و سؤالاتی که در مورد استفاده از خود الکل یا مواد آرایشی و بهداشتی و... که دارای الکل هستند برای خیلی‌ها وجود دارد کم نیست.

در این باره می‌توان گفت الکل به‌عنوان یک مایع ضدعفونی‌کننده که به شکل صنعتی و طبی در بازار موجود است و به خودی خود مست‌کننده نیست و به واسطه ماده‌ای که از آن گرفته شده وضعیت متفاوتی دارد.

گاهی الکل از برخی مایعات گرفته می‌شود که خود آن مایعات مست‌کننده هستند. در این صورت این الکل هم نجس است، اما اگر از مایع مست‌کننده گرفته نشده مانده بسیاری از الکل‌های صنعتی که از چوب یا چغندر و مانند آن به دست می‌آید، در این صورت به خودی خود نجس نیستند. همچنین اگر ندانیم که این الکل از مایع مست‌کننده ساخته شده یا نه در حکم طهارت است.

به همین نسبت همه مواد آرایشی و بهداشتی و عطرها و ادکلن‌هایی که از این الکل‌های پاک تهیه می‌شوند هم پاک هستند. البته ظاهراً تنها آیت‌الله بهجت رحمته‌الله الکل موجود در عطرها و ادکلن‌ها را بنابر احتیاط نجس می‌دانستند.^۴

حکم آنچه تو اندیشی...

در آخر هم بد نیست به این نکته اشاره کنیم که در رعایت احکام شرعی تنها معیار و قاعده تسلیم بودن در برابر فرامین الهی است و هر چند حکمت‌های پیدا و پنهان این دستورات بر کسی پوشیده نیست. اما نباید تصور کرد که چون مثلاً در روایات یک دلیل حرمت شراب زایل نمودن عقل - که بالاترین نعمت خداوند به بشر است - بیان شده نباید تصور کرد که اگر مشروب به نحوی مصرف شود که مست‌کننده نباشد پس دیگر حرام نیست؛ بلکه معیار و قاعده، تنها و تنها دستوراتی است که از جانب شارع به ما رسیده است که هر نوع نزدیک شدن به این وادی را به شدت نهی کرده است و در روایت معروف پیامبر ۱۰ گروه مرتبط با شراب و شراب‌خواری را لعن فرموده. حتی باغبانی که درخت انگور را برای تولید شراب می‌کارد یا کسی که بار انگور را برای این هدف به مقصد می‌رساند و...^۵

این روایات تنها به هدف شدت پرهیز و اجتناب ما از ورود در این وادی بیان شده‌اند و بس. براساس همین قاعده عام و طبق روایات موجود حتی نشستن بر سر سفره‌ای که در آن شراب وجود دارد و محسوب شدن در زمره افراد آن سفره حرام است؛ هر چند انسان تنها از غذای حلال آن سفره تناول کند.

بله تنها اصل و معیار در این زمینه تسلیم بودن در برابر دستورات دین است.

به قول حافظ:

در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم

حکم آنچه تو اندیشی، رأی آنچه تو فرمایی

منابع:

۱. مائده (۵)، آیه ۹۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۹۵.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۲، مسأله ۳۵.

۴. استفتاءات آیت‌الله بهجت، ج ۱، ص ۱۰۵، مسأله ۳۴۸.

۵. ثواب‌الاعمال، ص ۵۲۷.